

معنای زندگی در نهج البلاغه

محمد صادق شجاعی *

سید محمد غروی **

دکتر مسعود جان بزرگی ***

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی معنای زندگی از منظر امام علی (ع) انجام شد. در جامعه روایی پژوهش، از میان همه روایت‌های نقل شده از امام علی (ع)، نهج البلاغه با توجه به اینکه بیشترین حجم روایت‌های نقل شده از علی (ع) را در خود جای داده به عنوان نمونه انتخاب گردید. پس از بررسی متن نهج البلاغه به روش اجتهاد دینی و تحلیل تاریخی و محتوایی احادیث متون مورد نظر جمع آوری، انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اطلاعات، پس از جمع آوری و انباشته سازی، با به کارگیری روش‌های استقرایی و قیاسی مقوله بندی، اعتباریابی محتوایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر امکان استخراج یک الگوی معنایی برای زندگی در چارچوب بیانات امام علی (ع) و به بیان کلی تر دین اسلام است. این الگو بسیاری از الگوهای امروزه روانشناختی برای معنا یابی زندگی را پوشش می دهد. در نتیجه می توان از این الگو برای تبیین معنای زندگی و کمک به فنون روان‌درمانگری برای معنا یابی زندگی مراجعان استفاده کرد.

واژگان کلیدی: معنای زندگی، نهج البلاغه، روان‌درمانگری مذهبی

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

** مدیر گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

*** عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Email : masuodjan@yahoo.com

تاریخ تایید: ۹۱/۱۰/۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۴

مقدمه

معنای زندگی^۱ دارای سابقه‌ی نسبتاً طولانی در فلسفه بوده و از نیمه‌ی دوم قرن بیستم در نتیجه‌ی رشد تفکرات هستی‌نگری^۲ وارد حیطه‌ی روانشناسی شده است (ویلبر^۳، ۱۹۸۳).

مفهوم معنای زندگی در فلسفه به برداشت کلی فرد از جهان، هدف زندگی و اینکه انسان برای چه آفریده شده و سرانجام به کجا خواهد رفت، اشاره داشت (جیانلوکا^۴، ۲۰۰۶)، اما در روانشناسی معنای زندگی در ارتباط با چهار نیاز اساسی تعریف شده که عبارتند از: ۱) احساس هدفمندی^۵ ۲) احساس خودکارآمدی^۶ ۳) داشتن مجموعه ارزش‌هایی که بتواند رفتارهای فرد را توجیه کند و ۴) وجود یک مبنای با ثبات و استوار برای داشتن نوعی حس مثبت خود ارزشمندی (باامستر^۷، ۱۹۹۱).

برای تبیین معنای زندگی می‌توان به دو نظریه در روانشناسی اشاره کرد: نظریه‌ی معنی درمانگری^۶ فرانکل^۷ که می‌گوید معنی در جهان وجود دارد، ما باید آن را کشف کنیم. از نظر فرانکل معنای زندگی یافتنی است، نه ابداع کردنی. هر موقعیت فقط دارای یک معنا است و هر فردی باید خود به دنبال یافتن معنای زندگی‌اش باشد. از نظر او، تحقق معنی در زندگی از سه راه امکان پذیر است: ۱) انجام کارهای ارزشمند، مانند کار کردن در یک شغل، ساختن یک خانه، نوشتن یک کتاب، خلق آثار هنری ۲) کسب تجربه‌های والا هم‌چون تماشای شگفتی‌های طبیعت، آشنایی با یک فرهنگ و یا عشق ورزیدن به فردی دیگر ۳) شیوه برخوردی که در مورد رنج و بیماری بر می‌گزینیم. فرانکل برای تحمل رنج به منزله راهی برای معنی‌دهی به زندگی اهمیت زیادی قائل است. از نظر او، درد و رنج بهترین جلوه گاه ارزش وجودی انسان است. افراد وقتی با درد و رنج مواجه می‌شوند، نگرش آنها به زندگی تغییر می‌کند. دیگر آنها معنای زندگی را در رهایی از رنج نمی‌بینند، بلکه به دنبال یافتن معنای زندگی از درون درد و رنج

1. the meaning of life.

2. existentialism.

3. Wilber, K

4. Gianluca, D.M

5. Baumeister, R

6. Logotherapy

7. Frankl, W.V

خواهند بود. به گفته فرانکل، مهم نیست که ما چه انتظاری از زندگی داریم، بلکه باید ببینیم زندگی از ما چه انتظاری دارد (فرانکل، ۱۹۷۳، ص ۹). نظریه‌ی دیگری که در این زمینه قابل طرح است، نظریه‌ی مزلو^۱ (۱۹۶۸؛ ۱۹۷۱) است. از نظر مزلو معنای زندگی نه در بیرون بلکه در درون خود فرد و به عنوان یک فرایز^۲، زمانی که همه‌ی نیازهای سطوح پائین‌تر از قبیل نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای ایمنی و عشق و محبت ارضا شده باشند، ظاهر می‌شود. فرایزها شامل موضوعاتی چون داشتن یک سیستم ارزشی، فلسفه و معنای زندگی و جهت‌گیری مذهبی است. در صورتی که افراد نتوانند این نیازها را ارضا کنند، بیمار می‌شوند (فرانکل، ۱۹۷۳).

معنای زندگی در منابع دینی نیز مهم ارزیابی شده است. علی (ع) در نهج‌البلاغه ضمن بحث پیرامون خدا، انسان، دنیا و آخرت و اینکه انسان برای چه آفریده شده و سرانجام به کجا خواهد رفت، به موضوع معنای زندگی پرداخته است. از نظر علی (ع) هستی در کلیت خود با معنی است. آن حضرت با محوریت ایده‌آل‌های اخلاقی و معنوی الگوی نظری معنای زندگی را معرفی نموده است (نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ۱۳۸۵ خطبه ۱۹۵، ص ۲۹۲).

بر اساس تحقیقات انجام شده، ناتوانی در یافتن معنای زندگی باعث اختلالاتی هم چون اضطراب و افسردگی (دیباتس^۳، لابی^۴ و ویزمن^۵، ۱۹۹۳؛ کرونباخ^۶، ۱۹۶۸)، اعتیاد به مواد مخدر (پادلفورد^۷، ۱۹۷۴)، حالت خودتحقیرگری و گرایش به خودکشی خودکشی (نیوکامب^۸ و هارلو^۹، ۱۹۸۶) می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند بیشتر افرادی که عدم احساس رضایت از زندگی دارند، به خاطر آن است که نتوانسته‌اند معنایی برای زندگی خود پیدا کنند (وینتی جودت^{۱۰}، ۱۹۹۷؛ چامبرلین^{۱۱} و

1. Maslow, A.
2. meta- need
3. Debats, D. L.
4. Lubbe, P. M
5. Wezman, F
6. Crumbaugh, J
7. Padelford, B
8. Newcomb, M.D.
9. Harlow, L.L
10. Ventegodt, S
11. Chamberlain, k

زیکا^۱، ۱۹۸۸). هم‌چنین، لذت نبردن از کار (بونی برایت^۲، کلی^۳ و انکین من^۴، ۲۰۰۰)، احساس غمگینی (دیباتس^۵ و همکاران، ۱۹۹۳) و خودکارآمدی پایین (جوزف (جوزف دیویتس^۶، ۲۰۰۳) نیز با فقدان معنی در زندگی رابطه دارد. در حال حاضر، احساس پوچی و بی‌معنایی در زندگی، یکی از نگرانی‌های مهم جهان به شمار می‌رود (بروگارد اسمیس^۷، ۲۰۰۵).

پژوهشگران همواره علاقه‌مند بوده‌اند تا به منظور ایجاد شرایط بهتر برای درک معنای زندگی، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن بپردازند. از جمله فرضیه‌هایی که در زمینه سبب‌شناسی معنای زندگی مطرح شده، معنایابی در رنج می‌باشد. یکی از عمده‌ترین کوشش‌ها در این زمینه، پژوهش‌های فرانکل (۱۹۷۶) است که در اردوگاه‌های کار اجباری نازی‌ها انجام شده است. وی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که رنج کشیدن با معنایابی در زندگی مرتبط می‌باشد. تحقیقات انجام شده روی افراد مبتلا به بیماری‌های لاعلاج مانند سرطان (تایلور^۸، لایتمن^۹ و وود^{۱۰}، ۱۹۸۴)، ایدز (اسکوارتزبرگ^{۱۱}، ۱۹۹۳) و داغدیدگی (چودوف^{۱۲}، فریدمن^{۱۳} و هامبرگ ۱۹۶۴) نیز نظریه فرانکل را تأیید کرده است. هم‌چنین، در پژوهشی که روی افراد باقیمانده از حوادث طبیعی، جنگ و داغدیدگی انجام شد، نتایج حاکی از این بود که بین ضربه آسیب‌زا و فرایند اسناددهی معنا به زندگی رابطه وجود دارد (جان‌اف-بولمن^{۱۴}، ۱۹۹۲؛ لیفتون^{۱۵}، ۱۹۸۰؛ ورتمن^{۱۶} و سیلور^{۱۷}، ۱۹۸۹). در مقابل، برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز به ارتباط بین اعتقادات و باورهای دینی (موزیو^{۱۸}، ۲۰۰۶؛ کرنالد^۱ و

1. Zika, S
2. Bonebright, C.A
3. Clay, D.L
4. Ankenmann, R.D
5. Debats, D. L
6. S. Joseph DeWitz, M.A
7. Brogaard, B and Smith, B
8. Taylor, S.E
9. Lictman, R.R
10. Wood, J
11. Schwartzberg, S.S
12. Chodoff, P
13. Fridman, S.B
14. Bulman, J
15. Lifton, R.J
16. Wortman, C.B
17. Silver, R.C
18. Muzio, G.D

راسموسن^۲، ۱۹۷۵؛ میشل^۳ و همکاران، ۲۰۰۰) با معنای زندگی اشاره کرده اند. دین ساختار ذهنی افراد را گسترش داده و توانایی تفسیر و تحلیل شناختی را بهبود می بخشد. این نوع شناخت باعث می شود انسان جهان هستی را پدیده‌ی نظام مند و دارای هدف بداند که حتی در پس پدیده‌های به ظاهر ناخوشایند و متناقض نیز نوعی اراده، تدبیر و معنی نهفته است. اعتقاد به این که زندگی با مرگ پایان نیافته و پس از مرگ نیز ادامه می یابد تا حد بسیار زیادی در معنی دار کردن زندگی نقش دارد. در دو دهه‌ی گذشته بررسی‌های بسیاری در زمینه جهت گیری مذهبی با معنای زندگی انجام شده ولی هنوز الگوی نظری منسجمی در این زمینه ارائه نگردیده است. یکی از منابعی که در میان منابع اسلامی به طور گسترده به معنای زندگی و آموزه‌های مربوط به آن پرداخته، نهج البلاغه است. به نظر می رسد که تبیین معنای زندگی یکی از هدف‌های مهم در نهج البلاغه است. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی این پرسش‌ها بود کهبر اساس آموزه‌های نهج البلاغه، معنای زندگی چیست؟ آیا معنی زندگی جعل کردنی است یا کشف کردنی؟ زندگی معنی دار دارای چه ویژگی‌هایی است؟ و چه چیزی می تواند زندگی را معنی دار کند؟

روش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مطالعه، در این پژوهش از روش اجتهاد دینی استفاده شده است. اجتهاد دینی در معنای عام خود، روشی است که برای استخراج و استنباط آموزه‌های دینی از منابع معتبر یعنی قرآن و سنت به کار برده می شود. زمانی که پژوهشگر برای استخراج و استنباط آموزه‌های روان شناختی از این روش استفاده می کند، این روش را اجتهاد دینی در موضوعات روان شناسی می گویند (علی پور و حسنی، ۱۳۸۹ ص ۶۱). متغیرهای پژوهش حاضر عبارت بودند از «معنی» و «زندگی».

جامعه اسنادی و نمونه متون انتخابی: جامعه روایی این پژوهش همه‌ی روایت‌های نقل شده از علی (ع) بود که در منابع روایی شیعه گردآوری شده اند. نهج البلاغه با توجه به اینکه بیشترین حجم روایات نقل شده از علی (ع) را در خود جای داده و از نظر محتوایی نیز پیش بینی می شد که بیشترین ارتباط را با بحث معنای زندگی داشته باشد،

1. Crandall, J
2. Rasmussen, R
3. Michael F.

به عنوان نمونه انتخاب گردید. هم‌چنین، از آوردن منابعی که صدور آنها از علی (ع) مورد تردید بود، در این مطالعه اجتناب شد. نهج‌البلاغه، پس از مشورت با افرادی که آشنایی کافی با آن و تجربه تحقیق و پژوهش در این زمینه را داشتند، و نیز بررسی محتوایی آن در متون معتبر دیگر به عنوان متن نمونه انتخاب شد.

روش جمع‌آوری اطلاعات؛ اطلاعات با مراجعه به متن نهج‌البلاغه که محتوی سخنان امیرالمومنین (ع) و نامه‌ها و کلمات قصار آن حضرت بوده و به وسیله سیدرضی جمع‌آوری شده، به دست آمده است. خطاپذیری در این پژوهش به دو منبع قابل افراز است: (۱) سند روایت‌ها (۲) برداشت محقق. از نظر سند، تلاش شده نوع سند و تاریخ و مشخصات آن‌ها ذکر شود و هرگونه تردیدی در باره نهج‌البلاغه به مستندات تاریخی آن بر می‌گردد (معارف، ۱۳۸۸). در عین حال، می‌توان سند یک روایت را با استفاده از روش‌های مختلف از جمله تشکیل خانواده حدیث و روش اجتهادی که پیشتر اشاره شد، مورد واریسی قرار داد، که در این پژوهش به آن توجه شده است. معیارهایی مانند نداشتن حدیث و متن قرآنی معارض، واریسی صحت ترجمه و تحلیل متن حدیث از طریق برهان‌های منطقی و مخالف برای ورود و یا خروج یک روایت مد نظر قرار گرفته است. برای کاهش خطای تحلیلی محقق، با مراجعه به ترجمه نهج‌البلاغه (دشتی، ۱۳۸۵) و شرح و تفسیر آن (جعفری، ۱۳۸۰، مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸) هم‌خوانی برداشت‌ها مورد واریسی قرار گرفت. سپس با جویا شدن نظر کارشناسان (سه نفر) صحت برداشت‌ها مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و در نهایت بر اساس اجماع آنان قلمرو موضوعی بحث تعیین شد. آموزه‌ها و برداشت‌هایی که احیاناً کمتر با بحث معنای زندگی ارتباط داشتند، کنار گذاشته شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ اطلاعات پس از جمع‌آوری و انباشته‌سازی، با به کارگیری استدلال و استفاده از روش استقرایی (بررسی موضوع در تک‌تک خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه) و قیاسی (بررسی موضوع در بافت آموزه‌های قرآنی و روایی دیگر) مقوله‌بندی، اعتباریابی محتوایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت الگوی نظری معنای زندگی استخراج شد.

یافته‌های پژوهش

شواهد حاصل از این پژوهش نشان داد که مفهوم «زندگی» کلیدواژه‌ی مهمی در فهم

«معنای زندگی» است. در واقع، وقتی می‌توانیم معنای زندگی را بفهمیم که در قدم اول مفهوم زندگی را به خوبی درک کنیم. زندگی در نهج‌البلاغه نقطه مقابل مرگ بوده (دشتی، ۱۳۸۵ص ۱۷۸) و معمولاً با واژه حیات (همان، ص ۷۲ و ۳۲۲) بیان شده است. زندگی در مفهوم عام خود شامل زندگی تحوّل‌ی درون‌رحمی، دنیوی، اخروی (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ج ۶ ص ۲۶۹)، و سطوح زندگی مادی و معنوی (همان، ج ۳ ص ۲۴۴) است. عامل اصلی تعیین‌کننده‌ی حیات در نهج‌البلاغه به خدا استناد داده شده است (دشتی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۴ و ص ۲۰؛ صبحی‌صالح، ص ۳۹۵). از نظر علی (ع) زندگی آفریده‌ی خدا است. او این موضوع را با واژه‌ی «خلق» و «انشاء» بیان کرده است (دشتی، ۱۳۸۵ص ۸۰ و ۲۶۰).

مفهوم زندگی [حیات] در نهج‌البلاغه گاهی در ارتباط با دنیا (صبحی‌صالح، ۱۳۵۴ ص ۲۱۴ و ص ۳۵۲) و گاهی در ارتباط با آخرت (صبحی‌صالح، ص ۱۶۴) به کار رفته است. از نظر علی (ع) زندگی دارای دو وهله‌ی دنیوی و اخروی است. زندگی دنیوی به ظرف زمانی از تولد تا مرگ اشاره دارد. توالی دوره‌های زندگی دنیوی، «عُمر» را تشکیل می‌دهد (دشتی، ۱۳۸۵ص ۷۲). در مقابل زندگی دنیوی، زندگی اخروی قرار دارد که از لحظه مرگ آغاز شده و تا ابد ادامه می‌یابد (دشتی، ۱۳۸۵ص ۴۶). علی (ع) همواره در نهج‌البلاغه، زندگی دنیوی و اخروی را با هم مقایسه کرده و برای هرکدام یکسری ویژگی‌هایی را برشمرده است. مهم‌ترین ویژگی زندگی دنیوی زودگذری و ناپایداری است (دشتی، ۱۳۸۵ص ۱۴۸، ۷۸، ۷۲). زندگی اخروی با اینکه نامرئی است، مهمتر از زندگی دنیوی ارزیابی شده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۱۶۹). در جدول ۱-۱ زندگی دنیا و آخرت با هم مقایسه شده و شاخص‌هایی که پایه اهمیت و اصالت زندگی اخروی را مشخص می‌کند، ذکر گردیده است.

جدول ۱-۱: مقایسه زندگی دنیا و زندگی آخرت و ویژگی های آنها

زندگی دنیا	زندگی آخرت
زودگذری و ناپایداری (فانها منزل قلعه و لیست بدار نجعه ؛ دشتی، ص ۱۵۲؛ ان الدنیا دار فناء، همان، ص ۱۵۴)	پایداری و ماندگاری (...الی الحیاه الدائمه، دشتی، ص ۱۵۰؛ و الآخره دار بقاء، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳).
سرای زندگی مجازی (انما الدنیا دار مجاز؛ صبحی صالح، ص ۳۲۰)	سرای زندگی حقیقی (و الآخره دار قرار؛ صبحی صالح، ص ۳۲۰)
روی گرداننده از انسان (فان الدنیا ادبرت و آذنت بوداع؛ صبحی صالح، ص ۷۲-۷۱)	روی آوردنده به انسان (ان الآخره قد اقبلت...؛ صبحی صالح، ص ۷۲-۷۱)
چندلایگی (فان الدنیا ... یونق منظرها و یوبق مخبرها...؛ صبحی صالح، ص ۱۰۸؛ دنیای خوب و دنیای بد، ابن ابی الحدید، ج ۱۸ ص ۳۲۵)	بی لایگی (صبحی صالح، ص ۳۹۶-۳۹۷)
دل بستگی به موضوع عشق یعنی مادر (الناس ابناء الدنیا و لایلام الرجل علی حب امه، دشتی، همان، حکمت، ۳۰۳)	عبور از دل بستگی به دنیا و پیوستن به موضوع اقتدار یعنی پدر (فکونوا من ابناء الآخره و لا تکنوا من ابناء الدنیا فان کل ولد سیلحق بأبیه؛ دشتی، همان، ص ۶۶)
دوره ای برای تمرین و آمادگی (ان الیوم مضمار؛ دشتی، ۱۳۸۵ ص ۵۲)	دوره ای برای دستیابی به نتیجه (و غداً السباق؛ دشتی، ۱۳۸۵ ص ۵۲)
امکان فعالیت هدفمند (ان لیوم عمل و لاحساب؛ دشتی، ص ۶۶؛ فلیعمل العامل منکم فی ایام مهله، همان، خ ۸۵)	عدم امکان فعالیت هدفمند (و غدا حساب و لاعمل؛ دشتی، همان، ص ۶۶).
اختیار (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۵۲)	جبر (دشتی، همان)

چنانچه مشاهده می‌شود، دنیا و آخرت در این موارد، برای اشاره به دو مرحله‌ی زندگی به کار رفته است. گاهی منظور از دنیا و آخرت جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم^۱. در واقع، این معنای دنیا به شرایط فیزیکی اشاره دارد که امکان زندگی را برای ما فراهم کرده است. برای مثال، زمین، آسمان، کوه و صحرا و... مفاهیمی هستند که در ارتباط با این معنای دنیا به کار رفته است (صبحی صالح، ص ۱۵۹). در مقابل، تعبیر بهشت و جهنم و اینکه هر کدام دارای درهایی هستند که افراد در آنها وارد شده و از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند یا به عذاب الهی مبتلا می‌شوند (صبحی صالح، ص ۵۷؛ ۶۹؛ ۲۱۲)، معنایی را از آخرت در ذهن ما تداعی می‌کند که فکر می‌کنیم آخرت نیز محیطی شبیه دنیا است. گاهی دنیا و آخرت به عنوان دو خانه برای زندگی در نظر گرفته شده و از آن به «دار دنیا» و «دار آخرت» تعبیر شده است (صبحی صالح، ص ۴۴ و ۳۶۴). مهم‌ترین ویژگی که خانه‌ی دنیا را از خانه‌ی آخرت متمایز می‌کند این است که خانه‌ی دنیا خانه‌ی ناامن، نامستحکم و ناپایدار است. زیرا برای اهداف موقتی و زودگذر ساخته شده است. خوبی و بدی، حلال و حرام، ملایمات و ناملایمات نیز جزء لاینفک زندگی دنیا بوده و به عنوان بخشی از زندگی در نظر گرفته شده است (دشتی، ص ۱۵۴، ۱۵۲). در مقابل، از خانه‌ی آخرت به خانه‌ی «همیشگی»، «مطمئن»، «ایمن» و جایی که همه‌ی استانداردهای لازم در آن رعایت شده تعبیر گردیده است (دشتی، ص ۱۳۸۵). ویژگی‌های خانه‌ی دنیا در جدول ۱-۲ آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اسکن الدنیا خلقه؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ج ۱۰ ص ۱۱۳.

جدول ۱-۲: ویژگی‌های خانه‌ی دنیا

دنیا
خانه‌ای که سرانجام خراب می‌شود (الدار المقدور علی اهلها الزوال؛ دشتی، ص ۷۲)
خانه‌ای که ساکنان خود را هم نابود می‌کند (فهی تحفر بالفناء سکاّنها؛ دشتی، ص ۷۲)
خانه‌ای که نا امن است (و الامان منها معدوم؛ دشتی، ص ۳۲۸)
منزلگاهی برای کوچ کردن (فانها منزل قلعه ولیست بدار نجعه؛ دشتی، ص ۳۲۸)
خانه‌ای که در نزد خدا بی ارزش است (دارها هانت علی ربّها؛ همان).
خانه‌ای که پایه‌های آن در حال فروریختن و از بین رفتن است (... دار تنقض نقض البناء و عمر یفنی؛ همان)
خانه‌ای که تزئینان ظاهری آن فریبنده و گول زننده است (... خضراء؛ دشتی، ص ۶۸؛ قد تزینت بغورها و غرّت بزیتها؛ همان)
دنیا خانه‌ی مجازی است و آخرت خانه‌ی واقعی (انما الدنیا دار مجاز و الآخره دار قرار؛ صبحی صالح، ص ۳۲۰)
خانه‌ای که باید از آن کوچ کرد (فارتحلوا منها باحسن ما بحضرتکم من الزاد؛ دشتی، ص ۶۸)

علی (ع) ضمن این که ویژگی‌های خانه‌ی دنیا را بیان می‌کند، این سوال را مطرح می‌کند که «آیا خانه‌ای با این اوصاف و ویژگی‌ها جایی مناسبی برای زندگی هست؟!» «آیا ارزش این را دارد که به آن دل ببندیم؟!» (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۱۵۱). در برخی موارد،

زندگی در چنین خانه‌ای را به شدت مذمت کرده^۱ و به ترک آن سفارش نموده است.^۲ در مواردی نیز، اشیاء و پدیده‌ها را به دنیوی و اخروی طیف‌بندی و از امور دنیوی به «متاع دنیا» و از امور اخروی به «متاع آخرت» تعبیر کرده است (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۱۵۲). علاوه بر معانی یاد شده، دنیا در لبلاغه به معنای نوعی تجربه‌ی فردی در ارتباط با شرایط فیزیکی، عینی و اجتماعی نیز به کار رفته است. در این مورد از نوعی دنیای درون‌فکنی شده و شخصی سخن گفته می‌شود. هر کسی «دنیای شخصی» خود را می‌سازد. علی (ع) در بیش از ۱۵ مورد با تعبیر «دنیاک» و «دنیاکم» به مفهوم دنیای شخصی اشاره کرده است (رک: صبحی صالح، ص ۲۸۷، ۲۶۵، ۲۴۸، ۴۹، ۳۷۸، ۴۱۱). یکی از فرض‌های اساسی علی (ع) در این موارد، این است که رابطه با دنیا و آخرت به مثابه‌ی رابطه‌ی موضوعی (object relation) در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، از دنیا به عنوان نماد مادر (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۵۰۲) و از آخرت به نماد پدر (همان، ص ۲۶) مفهوم‌سازی شده است. شواهد نشان می‌دهد که افراد، بیشتر به ارتباط با مادر (یعنی دنیا) که مظهر تمایلات و ارضاء نیازها است، گرایش دارند اما در عین حال گرایش به پدر (سمبل اقتدار، قاعده مندی و عقلانیت) نیز به عنوان یک واقعیت اساسی در زندگی پذیرفته شده است. بدین ترتیب، ما شاهد تعارض‌های مستمری در تمایل به موضوعات مربوط به پدر و یا مادر در زندگی واقعی هستیم و در پژوهش‌های اخیر، بحث روابط موضوعی و دوسوگرایی‌های مربوط به موضوعات مادری و پدری از اهمیت بالایی برخوردار شده و توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است (فریدمن^۳ و اسکوستاک^۴، ۲۰۰۹؛ کور^۵ و متیوز^۶، ۲۰۰۹؛ فیست^۷ و فیست^۸، ۱۳۸۶). علی (ع) اصالت را از آن پدر دانسته و به داشتن روابط موضوعی با آن توصیه کرده است.^۹ حرکت از مادر و پیوستن به پدر، بیانگر حرکت عقلانی در زندگی است. در

۱. (العیش فیها مذموم: دشتی، ص ۳۲۸).

۲. (عباد الله اوصیکم بالرفض لهذه الدنیا؛ دشتی، ۱۳۸۵ ص ۱۳۰).

3. Friedman H.S
4. Schustack, M.W
5. Coor, P.J
6. Matthews, G
7. Feist, J
8. Feist, G.J

۹. (فکونوا من ابناء الآخرة ولا تکنوا من ابناء الدنیا فان کلّ ولد سیلحق بأبیه؛ دشتی، همان، ص ۲۶).

واقع، مادر زمینه‌ساز و پدر زمانه‌ساز انسان است و هویت کودکان را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین، علی (ع) تصویری از «دنیای خوب» و «دنیای بد» به وجود آورده که افراد را قادر می‌سازد جنبه‌های مثبت و منفی دنیا را در نظر داشته باشند (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۹، ص ۱۳۷). در یک برخورد نمادین «دنیای بد» را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو، آیا برای من خود نمایی می‌کنی؟ یا شیفته‌ی من شده‌ای تا روزی در دل من جای گیری؟! هرگز مباد! غیر مرا بفریب که مرا در تو هیچ نیازی نیست، تو را سه طلاقه کرده‌ام، تا بازگشتی نباشد، دوران زندگانی تو کوتاه، ارزشت اندک و آرزویت ناچیز است (صبحی‌صالح، همان، ص ۴۸۰).

با توجه به آن چه گذشت، «زندگی» درکی است که از مفهوم حیات و ارتباط آن با دنیا و آخرت به دست می‌آید. یافته‌ی دیگر این پژوهش وجود معنای ذاتی برای زندگی است. خدا برای زندگی انسان معنایی قرار داده و استعداد کشف این معنی را نیز به او عطا کرده است. جوهر اساسی معنای زندگی در نهج‌البلاغه عبارت است از تأکید روی این نکته که بدون وجود خدا زندگی معنایی نخواهد داشت. علی (ع) اعتقاد به خدا و به طور کل، دینداری را به عنوان یکی از منابع اساسی معنای زندگی معرفی کرده است که به موجب آن، هسته‌ی اصلی عقاید، انتظارات و اهداف افراد شکل می‌گیرد و جایگاه فرد در زندگی مشخص می‌شود.

از دیگر مؤلفه‌هایی که علی (ع) در نهج‌البلاغه برای معناداری زندگی بیان کرده، «هدف زندگی» است. هدفمندی در همه‌ی سطوح هستی و هر آن چه با زندگی و حیات انسان ارتباط پیدا می‌کند، دیده می‌شود (دشتی، همان، ص ۲۲، ۲۴). در نهج‌البلاغه هدف زندگی، با سه پیش‌فرض مشخص شده است: (۱) هدف زندگی، فراتر از خود زندگی است. به همین جهت، علی (ع) می‌فرماید: دنیا برای غیردنیا آفریده شده است (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۵۲۸). و (۲) هدف زندگی، از پیش تعیین شده است؛ یعنی، یک برنامه و هدف از پیش تعیین شده برای جهان وجود دارد و جریان کارهای جهان طبق یک طرح و برنامه قبلی صورت می‌گیرد (همان، ص ۵۲۴). (۳) هدف نهایی جهان را نمی‌توان تغییر داد اما مسیری که افراد برای رسیدن به این هدف بر می‌گزینند می‌تواند متفاوت بوده یا اینکه حتی به طور موقتی یا همیشه هدف اصلی فراموش شود. انسان تنها موجودی است که می‌تواند در چارچوب این طرح مدبرانه جهان مسیر خود را

برای کمال یا سقوط انتخاب کند. برای انسان نیز یک هدف غایی وجود دارد که باید به سوی آن حرکت کند^۱. کنش هدفمندی در زندگی تمایل فرد را برای رسیدن به هدف افزایش داده و نقش انگیزشی فوق‌العاده‌ای در این زمینه دارد. در این راستا، هر چیزی که قادر باشد فرد را به هدف زندگی یعنی کمال، سعادت، فوز و فلاح نزدیک کند نیز معنادار تلقی می‌شود. بنابراین، اعمال و رفتارهایی که زمینه‌ی دستیابی به هدف زندگی را برای ما فراهم می‌کنند، نیز خود منابعی برای معنادهی به زندگی هستند.

موضوع مهم دیگر در باره‌ی معنای زندگی، چگونگی تفسیر و تحلیل پدیده‌ها و رویدادهای ناخوشایند زندگی است. زمانی که هدف واضح باشد و راه‌های رسیدن به هدف و فعالیت‌ها و اعمال نیز تعریف مشخص بیابند، مشکلات و موانع نیز دارای معنای خاص خود هستند. اگر مشکلات باعث نزدیکی بیشتر فرد به هدف شود، معنای آن‌ها متفاوت شده و واجد کارکرد مثبت می‌گردد. پس می‌توان آن‌ها را به نحوی هدیه‌ای از جانب خداوند و نشانه‌ی علاقمندی او برای نزدیکی بیشتر بنده به خدا دانست. از همین رو، در آموزه‌های دینی، رویدادهای ناخوشایند زندگی بر اساس کارکردهای مثبت آن از قبیل هدیه دانستن مشکلات از سوی خدا، نشانه‌ی دوستی خدا، وسیله‌ای برای رشد و تکامل معنوی و چیزی که افراد به خاطر آن پاداش داده می‌شوند مورد ارزیابی قرار گرفته است (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۲۴۰؛ ۴۹۶؛ ۱۱۸).

از جمله یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با معنای زندگی، مفهوم مرگ است. به دلیل پیوستگی بین دنیا و آخرت که پیشتر به آن اشاره شد، مرگ یک مرحله از مراحل زندگی است. بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، مرگ یک حقیقت انکارناپذیر در زندگی بوده (صبحی صالح، ص ۲۴۲) و کسی را گریزی از آن نیست (همان، ص ۲۰۷، ۳۹۸، ۳۸۳). نقش مرگ در رابطه با معنای زندگی هشیاری‌افزایی انسان نسبت به گذر زمان است. هر زمان می‌تواند در بر دارنده یک فعالیت معنادار یا پوچ باشد. معنای این عبارت که اساساً ما به دنیا آمده‌ایم تا بمیریم (همان، ص ۳۹۸) اشاره به ویژگی‌های زندگی این دنیا دارد.

مرگ در نهج‌البلاغه با چند ویژگی مشخص شده است: ۱) همگانی بودن (همان، ص ۲۴۲، ۲) پایداری و عدم امکان بازگشت به زندگی دنیا (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۱۵۶)، ۳)

۱. (فما خلِقَ امرءٌ عبثاً فیلهوا ولا ترک سدی فیلعوا؛ دشتی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۲).

نامشخص بودن زمان آن (همان، ص ۱۵۲)، ۴) نبود کارکرد فیزیولوژیک بعد از مرگ (همان، ص ۹۶)، ۵) عدم امکان رفتار اختیاری بعد از مرگ (همان، ص ۶۶). مرگ از نظر بالینی، سبب بروز تغییرات و واکنش‌های فیزیولوژیک در بدن می‌شود. این تغییرات ممکن است با درد نیز همراه باشد (همان، ص ۱۴۴). مرگ فرایند گذاری است. از نظر علی (ع) بدن در فرایند مرگ از سه مرحله گذر می‌کند. مرحله اول، از کار افتادن زبان است که طی آن فرد برای کنار آمدن با مرگ آماده می‌شود. در این مرحله، فرد با گوش خود می‌شنود و با چشم خود می‌بیند، اما نمی‌تواند سخن بگوید. در یک لحظه، زندگی گذشته خود را مرور می‌کند و به یاد ثروت‌هایی که جمع کرده می‌افتد. کم کم بدن وارد مرحله دوم می‌شود که طی آن گوش هم از کار می‌افتد. در طی این مرحله کارکرد فیزیولوژیک بدن رفته رفته کم می‌شود و در مرحله آخر، با خروج روح از بدن حالت مرگ به طور کامل اتفاق می‌افتد (همان، ص ۱۴۵). گذاری بودن مرگ به معنای این است که مرگ با یک وهله اساسی دیگر زندگی پیوند می‌خورد. از نظر علی (ع) انسان با مرگ به مرحله بالاتر حیات راه می‌یابد (همان، ص ۷۴، ۲۱۹، ۱۴۵). بنابراین، دلیلی وجود ندارد که ما از مرگ بترسیم ولی نمی‌توانیم در باره آن فکر نکنیم (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۲۶۲ و ۲۸۴). به طور کلی، علی (ع) بر تفسیر خوش‌بینانه از مرگ تأکید دارد و معتقد است که مرگ نه تنها عامل تهدید کننده برای زندگی نیست بلکه زندگی با مرگ معنای واقعی خود را می‌یابد؛ زیرا وقتی بدانیم زندگی جاودانه نیست و سرانجام روزی خواهیم مرد، به ارزش زندگی پی خواهیم برد. در این صورت، بیشتر مراقب رفتارها و عملکردهای مان خواهیم بود. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی اینکه علی (ع) به ناپایداری دنیا و یاد مرگ اشاره نموده این است که به ما یادآوری کند تا وقتی زنده هستیم، قدر زندگی را بدانیم (دشتی، ۱۳۸۵ ص ۳۷۶). اگر زندگی با مرگ پایان نمی‌یافت و ما برای همیشه زنده می‌بودیم، در این صورت احتمالاً هیچ انگیزه‌ای برای تلاش، پیشرفت و انجام کارهای خوب در ما وجود نداشت.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، آخرت نیز یکی از منابع مهم معنای زندگی محسوب می‌شود؛ زیرا اعتقاد به زندگی پس از مرگ، دریافت کیفر و پاداش و اینکه هر کسی نتیجه‌ی اعمال و رفتار خود را خواهد دید، جهت‌گیری اعمال و رفتار انسان را در زندگی مشخص می‌کند.

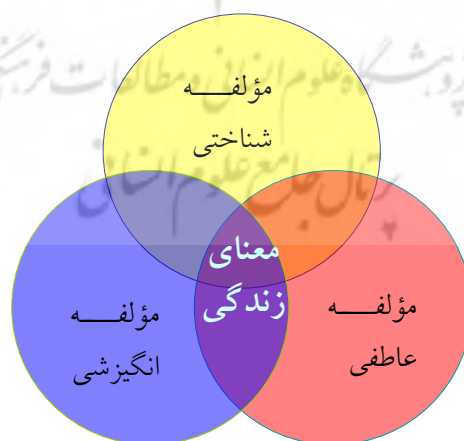
بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف بررسی معنای زندگی در نهج البلاغه انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که معنای زندگی در نهج البلاغه از جایگاه محوری برخوردار است. در پاسخ به این سوال پژوهش که «آیا معنای زندگی جعل کردنی است یا کشف کردنی؟»، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دو برداشت از معنای زندگی وجود دارد؛ یک برداشت کلی یعنی نقشه و نظامی که جهان بر طبق آن پایه‌ریزی شده و در این صورت، معنای زندگی کشف کردنی است. و دیگری برداشت شخصی که مستقیماً و بلاواسطه از هماهنگی رفتارهای فرد با هدف غایی زندگی به دست می‌آید. طبق تفسیر دوم، معنای زندگی باید به وسیله‌ی خود فرد ایجاد شود.

هم‌چنین در پاسخ به این سوال که «چه چیزی می‌تواند زندگی را معنی‌دار کند؟» یا به تعبیر دیگر «منابع معنی زندگی چیست؟» نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که منابع مهم معنی زندگی در نهج البلاغه عبارتند از: ۱) هدفمندی زندگی (۲) خداآوری (۳) اعتقاد به گذاری بودن مرگ و اینکه زندگی با مرگ پایان نمی‌یابد (۴) توانایی درک و تفسیر عمقی از پدیده‌ها به گونه‌ای که فرد جهان هستی را پدیده نظام مند دانسته و بتواند حتی رویدادهای به ظاهر ناخوشایند و منفی آن را مثبت ارزیابی کند (۵) انجام اعمال و رفتارهای اخلاقی - معنوی مانند نماز و نیایش، صدقه‌دادن، کمک کردن به نیازمندان، کارکردن برای تأمین معیشت زندگی. احساس پوچی و بی‌معنایی در زندگی، بیشتر به خاطر آن است که افراد تفسیر درستی از پدیده‌ها و رویدادهای ناخوشایند زندگی و به ویژه مرگ ندارند.

طبق یک برداشت، می‌توان برای معناداری زندگی شرایط و ویژگی‌هایی را در نظر گرفت که زندگی با وجود آنها معنی‌دار و بدون آنها بی‌معنی باشد. زندگی با «معنای زندگی» است که دارای جهت‌گیری مذهبی بوده و اعمال و رفتار فرد همسو و هماهنگ با هدف آفرینش و در راستای تأمین سعادت وی پایه‌ریزی شده باشد. بنابراین، دینداری نقش مهمی در معناداری زندگی دارد؛ زیرا دین ساختارهای ذهنی افراد را گسترش داده و توانایی تفسیر و تحلیل شناختی را بهبود می‌بخشد. در این جهت، یافته‌های این پژوهش با تحقیقات موزیو (۲۰۰۶)، کرنالد و راسموسن (۱۹۷۹) و میشل و همکاران (۲۰۰۰) هم‌سو است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش الگوی نهایی معنای زندگی در نهج‌البلاغه از سه مؤلفه‌ی شناختی، عاطفی و انگیزشی تشکیل یافته است: (۱) مؤلفه شناختی معنای زندگی به باورها و نگرش‌های فرد در باره خدا، هستی، زندگی، مرگ و رویدادهای پس از آن اشاره دارد (دستی، ۱۳۸۵، خطبه ۱۰۹). نگرش فرد به هستی، هستی‌آفرین و موضوعاتی از قبیل این که من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ سرانجام به کجا خواهم رفت؟، یک چارچوب معنی را فراهم می‌سازد. (۲) مؤلفه عاطفی معنای زندگی به احساس رضایت از زندگی (دستی، همان، حکمت ۲۲۸، نامه ۲۲)، خوش‌بینی و حالت امیدواری به خدا (همان، خطبه ۸۳) در فرد اشاره دارد. (۳) مؤلفه انگیزشی معنای زندگی شامل فرایندهایی می‌شود که نقش بازدارندگی یا توسعه بخشی رفتار را بر عهده دارد. افراد به دو شیوه اصلی برانگیخته می‌شوند؛ یکی به وسیله ارزشها و دیگری به وسیله هدف غایی زندگی. ارزش‌هایی مانند تقوا (همان، خطبه ۱۶، ۱۹۰؛ حکمت ۹۵ و ۴۱۰)، ایمان به خدا (خطبه ۵ و ۲۸؛ نامه ۲۷، حکمت ۱۷۶)، حفظ کرامت نفس (نامه ۳۱) و دستیابی به هدف غایی زندگی (خطبه ۱۱۴؛ نامه ۵۳؛ حکمت ۴۲۳) تعیین می‌کنند که فرد چه رفتارهایی را باید انجام بدهد و از چه کارهایی باید دوری کند. روابط مؤلفه‌های معنای زندگی به صورت سه دایره در شکل ۱-۱ نشان داده شده است. معنای زندگی در مرکز شکل، جایی که سه دایره هم پوشی دارند، قرار گرفته است. بنابر این، معنای زندگی به روان‌بنه‌های شناختی انسان نسبت داده می‌شوند.



شکل ۱-۱: مؤلفه‌های معنای زندگی بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه

در نهایت معنایابی و اصلاح معنادهی به زندگی براساس یافته‌های این پژوهش به ترتیب زیر است:

۱- معرفی و شناخت ویژگی‌های فرایند معنادهی و آنچه می‌تواند به زندگی انسان به طور واقع بینانه و پایدار معنا ببخشد.

۲- اصلاح روان‌بده‌های شناختی و باورهای غیرمنطقی در باره دنیا، که اساسی‌ترین فرایند معنایابی است، و بیشترین حجم متون دینی در این زمینه را به خود اختصاص داده است.

۳- هدف‌گزینی منطقی با توجه به معنایابی دینی که اهداف پایدار را در ساختن زندگی براساس آخرت‌گرایی می‌داند.

۴- تنظیم رفتارها و سبک‌زندگی به نحوی که بتواند اهداف غایی انسان‌ها را پوشش دهد.

محدویت گستره مفهومی معنای زندگی در این مقاله، از یک سو به بحث روایی مربوط به امام‌علی ()، و از سوی دیگر به نهج‌البلاغه در برابر تمامی روایاتی که در کتب اسلامی به ایشان منسوب است، برمی‌گردد. پیگیری تحلیلی، روایی و قرآنی این مفهوم اساسی (معنای زندگی) از منابع گسترده‌تر می‌تواند به تصریح بیشتر و تبدیل آن به پایه‌ای برای استفاده در درمانگری و مشاوره کمک کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی ۱۳۸۵. قم، انتشارات غرقة الاسلام،
- نهج البلاغه، گردآوری صبحی صالح ۱۳۵۴. مرکز بررسی‌های اسلامی
- ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابی‌حامد ۱۳۷۸. شرح نهج البلاغه، منشورات دارالاحیاء الکتب العربیه
- جعفری، محمدتقی ۱۳۸۰. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شارف، ریچارد. اس ۱۳۸۱. نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، انتشارات رسا.
- علی‌پور، مهدی، حسنی، سید حمیدرضا ۱۳۸۹. پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لیثی واسطی، علی‌ابن‌محمد ۱۳۷۶. عیون‌الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث.
- معارف، مجید ۱۳۸۸. تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، قم، انتشارات کویر.
- مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۸۳. پیام امام امیرالمؤمنین (ع) شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، دارالکتب الاسلامیه

Battista, J. & Almond, R. (1973). The development of meaning in life. *Psychiatry*, 36, 409-427.

Baumeister, R (1991) How Stories Make Sense of Personal Experience: Motives that Shape Autobiographical Narratives, *Personality and Social Psychology Bulletin*. V: 20 P:676-690.

Boeree, C.G (2006). *Personality Theoris* .http://www.social-psychology.de/do/pt_maslow.

Bonebright, C. A., Clay, D. L., & Ankenmann, R. D. (2000). The relationship of workaholism with work° life conflict, life satisfaction, and pur pose in life. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 469° 477.

Brogaard, B and Smith, B (2005). On Luck, Responsibility and the Meaning of Life.

<http://www.philosophy.stir.ac.uk/postgraduate/documents/BrogaardAndSmithPaper>.

Caganoff, G(2004). *Transpersonal Psychotherapy Graduate Certificate*.
<http://www.landscapesofthesoul.com/essays/maslow>.

Chamberlain, K., & Zika, S. (1988a). Measuring meaning in life: An examination of three scales. *Personality and Individual Differences*, 9, 589° 596.

Chodoff, P., Friedman, S.B., & Hamburg, P.A. (1964). Stress defenses and coping behavior. *American Journal of Psychiatry*, 120, 433-439.

Clinical Psychology, 31, 483-485

Crumbaugh, J. (1968). Cross-validation of purpose in life test. *Journal of Individual Psychology*, 24, 74-81

Debats, D. L , Lubbe, P. M., & Wezeman, F. R. A. (1993). On the psychometric properties of the Life Regard Index (LRI): A measure of meaningful life. *Personality and Individual Differences*, 14, 337° 345.

Debats, D. L., van der Lubbe, P. M., & Wezeman, F. R. A. (1993). On the psychometric properties of the Life Regard Index (LRI): A measure of meaningful life. *Personality and Individual Differences*, 14, 337° 345.

Frankl, W.V (1973). *The doctor and the soul*. New York.

Frankl, W.V (1976). *Man,s Search for meaning*. New York, Pocket books

Gianluca, D.M (2006). Theism and the meaning of life, *Ars Disputandi* V:6

Hamera, E.K., & Shontz, F.C. (1978). Perceived positive and negative effects of life-threatening illness. *Journal of Psychosomatic Research*, 22, 419-424.

Janoff-Bulman, R. (1992). *Shattered assumptions: Towards a new psychology of trauma*. NewYork: Free Press.

Joseph DeWitz, M.A(2003). **EXPLORING THE RELATIONSHIP BETWEEN SELF-EFFICACY BELIEFS AND PURPOSE IN LIFE**

Kierkegaard, S en (1971). *Either/Or* Princeton University Press)
http://www.calvin.edu/academic/philosophy/virtual_library/articles/pereboom_derk/meaning_in_life_without_free_will.

Lifton, R. J. (1980). The concept of the survivor. In J.E. Dimsdale (Ed.), *Survivors, victims, and perpetrators: Essays on the Nazi holocaust*. Washington, DC: Hemisphere.

Metz, T (2001). THE CONCEPT OF A MEANINGFUL LIFE. *AMERICAN PHILOSOPHICAL QUARTERLY* V: 38, N: 2.

Muzio, G.D (2006). Theism and the Meaning of life. *Ars Disputandi* V: 6 P: 1566-5399

Newcomb, M.D. & Harlow, L.L. (1986). Life events and substance use among adolescents: mediating effects of perceived loss of control and meaninglessness in life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 3, 564-577

Nietzsche, F. (1889). *Twilight of the Idols*. In *The Anti-Christ, Ecce Homo, Twilight of the Idols: And other writings*, trans. Judith Norman; eds. Aaron Ridley and Judith Norman. 2005. Cambridge: Cambridge University Press

Padelford, B. (1974). Relationship between drug involvement and purpose in life. *Journal of Clinical Psychology*, 30, 303-305

Patricia, F Matthew, K (2006). The Meaning in Life Questionnaire: Assessing the Presence of and Search for Meaning in Life. *Journal of Counseling Psychology* 2006, V.: 53 P.: 80-93

Pigden, Charles (2010). Nihilism, Nietzsche, and the doppelganger problem, in R. Joyce and Kirchin (eds.) *A World Without Values: Essays on John Mackie's Moral Error Theory*. Springer Press.

Rambu, N (2009). Nihilism as Axiological illness. <http://international-journal-of-axiology.net/articole/nr12/art05.pdf>

Sanders, Steven, and Cheney, David, eds. (1980). *The Meaning of Life: Questions, Answers, and Analysis*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.

Sartre, Jean-Paul [1945] 1973. *Existentialism and Humanism*. London: Eyre Methuen .

Schwartzberg, S.S. (1993). Struggling for meaning: How HIV-positive gay men make sense of AIDS. *Professional Psychology*, 24, 483-490.

Steger, M.F and Frazer, P and Oishi, S and Kaler, M (2006). The Meaning of Life Questioner: Assessing the Presence of and Search for Meaning in Life. *Journal of Counseling Psychology*, P:80-93

Stiefel F &. Krenz , S & Zdrojewsk, C & Stagno, D & Fernandez, M & Bauer, J & Fucina, N & Lüthi. F & Leyvraz, S & Borasio,G & Fegg,F (2007). Meaning in life assessed with the Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE): a comparison between a cancer patient and student sample.

Susan,W(2007).Meaning in Life and Why Itatters.<http://www.philosophy.northwestern.edu/conferences/moralpolitical/08/papers/Wolf>

Taylor, S.E., Lichtman, R.R., & Wood, J.V. (1984). Attributions, beliefs about control, and adjustment to breast cancer. *Journal of Personality and Social Psychology*, , 489-502.

Tomasi, A (2007). Nihilism and Creativity in the Philosophy of Nietzsche.

Ventegodt, S. (1997) *Quality of Life and Factors in Early Life*. Forskningscentrets Forlag, Copenhagen (Danish)

Wilber, K. (1983). *Eye to eye: The quest for the new paradigm*. Garden City, NY: Doubleday.

Wortman, C.B., & Silver, R.C. (1989). The myths of coping. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 349-357

Yalom, Y.D. (1980). *Existential psychotherapy*. New York: Basic Books.